

تیپولوژی مناطق ۱۵ گانه شهری اصفهان با تأکید بر آسیب‌های اجتماعی محله‌های فوق بدخیم

حمید دهقانی، استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان، ایران*

چکیده

کلان‌شهرهای ایران در آستانه بلعیده شدن از سوی حاشیه‌های شهری‌اند و اگر اقدامات پیشگیرانه‌ای صورت نگیرد، به‌زودی متن شهرها ممکن است در معده حاشیه‌های شهری هضم شوند. اصفهان در یک‌صد سال اخیر بالاترین میزان صنعتی‌شدن و سریع‌ترین رشد جمعیت را داشته است. به‌گونه‌ای که جمعیت اصفهان در صد سال اخیر از هشتاد هزار نفر به دو میلیون نفر رسیده است. این میزان از صنعتی‌شدن افسارگسیخته و شهرنشینی بدون شهرگرایی و توسعه پایدار سبب ایجاد محله‌هایی شده است که می‌توان آنها را محله‌های فوق بدخیم دانست؛ محله‌هایی که در آنها بسته‌ای از آسیب‌های اجتماعی به‌همراه جرائم خشن و احساس امنیت پایین وجود دارد. در کنار این مسائل، فقر، بیکاری، وجود بافت‌های فرسوده و امکانات ناچیز رفاهی و خدماتی، هرگونه امید به بهبود وضعیت آنها را از بین برده است.

داده‌های پژوهش از طریق روش اسنادی و کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده‌اند و از فن جبر بولی در تحلیل تطبیقی استفاده شده است. نتایج تحلیل بولی نشان می‌دهند با وجود آنکه تقریباً در همه مناطق شهری اصفهان آسیب‌های اجتماعی بالاست، در محله‌های فوق بدخیم منطقه ۱۴ این مسائل با وضعیت نامناسب اقتصادی، مهاجرت افراد کم‌درآمد و وقوع جرائم خشن در هم تنیده شده است. همچنین، براساس همگنی فرهنگی - اجتماعی، شش تیپ مختلف مناطق شهری شناسایی شدند که عبارت‌اند از: مناطق تاریخی (مناطق ۱ و ۳)، مناطق حاشیه‌نشین روستایی - شهری (مناطق ۲، ۹ و ۱۱)، مناطق مدرن (مناطق ۵ و ۶)، مناطق حاشیه‌نشین مهاجر و محله‌های فوق بدخیم (منطقه ۱۴) که بیشتر در بخش‌های شرق و شمال‌شرق اصفهان متمرکز و در حال گسترش‌اند.

واژه‌های کلیدی: آسیب‌های اجتماعی، مناطق ۱۵ گانه شهر اصفهان، محله‌های فوق بدخیم، حاشیه‌نشینی، تحلیل بولی

Email: h.dehghani@ltr.ui.ac.ir

* نویسنده مسؤل: ۰۹۱۳۴۱۱۸۹۶۲

Copyright©2019, University of Isfahan. This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0>), which permits others to download this work and share it with others as long as they credit it, but they can't change it in any way or use it commercially.

Doi: [10.22108/jas.2018.112690.1472](https://doi.org/10.22108/jas.2018.112690.1472)

مقدمه و بیان مسئله

اصفهان در یک‌صد سال اخیر بالاترین میزان صنعتی‌شدن و سریع‌ترین رشد جمعیت را داشته است. به‌گونه‌ای که جمعیت این شهر در صد سال اخیر از هشتاد هزار نفر به دو میلیون نفر رسیده و در حال حاضر پس از تهران و مشهد سومین شهر پرجمعیت ایران است. این میزان از صنعتی‌شدن افسارگسیخته و شهرنشینی بدون شهرگرایی و توسعه پایدار سبب ایجاد محله‌هایی شده است که می‌توان آنها را محله‌های فوق بدخیم دانست. محله فوق بدخیم محله ناامنی است که در آن مجموعه‌ای از آسیب‌های اجتماعی همچون اعتیاد، خرید و فروش مواد مخدر، طلاق، نزاع‌های دسته‌جمعی، قتل، تجاوز به عنف و سرقت وجود دارد و این مسائل در این محله‌ها به‌گونه‌ای در هم پیچیده است که نمی‌توان آنها را به‌سادگی از هم تفکیک کرد. این محله‌ها با وجود مساحت کم، میزان زیادی از آسیب‌های اجتماعی و جرائم را به خود اختصاص می‌دهند و ساکنان آنها احساس امنیت پایینی دارند. افراد ساکن در این محله‌ها تقریباً در هیچ کجای آنها احساس امنیت نمی‌کنند. بخش عمده‌ای از این نقاط در حاشیه‌های شهر و میان افراد حاشیه‌نشین شکل گرفته است. کلی و همکاران^۱ (2012) چهار ویژگی عمده مسائل فوق بدخیم را این‌چنین بیان می‌کنند: «فرصت اندکی برای حل مسائل موردنظر باقی مانده است. کسانی که در پی حل مسئله هستند خود بخشی از مسئله هستند. اقتدار مرکزی لازم برای حل مسئله وجود ندارد یا اندک است. شیوه حل سنتی قادر به حل این مسائل نمی‌باشد».

روند روبه‌رشد محله ناکارآمد و جرم‌خیز شهری نگران‌کننده است. طبق آمار وزارت راه و شهرسازی با بررسی انجام‌شده در ۹۱ شهر کشور، تاکنون ۹۷۴ محله ناکارآمد شهری شناسایی شده است. جمعیت ساکن در این مناطق ۱۸ میلیون نفر اعلام شده است که تنها در سکونتگاه‌های غیررسمی بیش از ۱۱ میلیون نفر برآورد شده است؛ یعنی این تعداد از مردم از

حداقل‌های خدمات عمومی هم محروم‌اند و در مناطقی زندگی می‌کنند که در آنها بستر برای گرایش به آسیب‌های اجتماعی بیش از سایر مناطق فراهم است. پژوهش ربانی و همکاران (۱۳۸۶) نشان می‌دهد حدود نیمی از افراد حاشیه‌نشین در اصفهان درگیر اعتیاد و فروش مواد مخدرند و در برخی مناطق حاشیه‌نشین تا بیش از ۸۰ درصد از ساکنان درگیر چنین آسیب‌های اجتماعی‌اند.

در حال حاضر در استان اصفهان یک میلیون و دویست هزار نفر و در شهر اصفهان ۴۰۰ هزار نفر در مناطق حاشیه‌نشین ساکن‌اند. درون اصفهان، اصفهان دیگری وجود دارد که شمار زیادی از ساکنان آن از فقر و آسیب‌های اجتماعی رنج می‌برند. جاذبه‌های شهری اصفهان و دافعه‌های زادگاه مهاجران از اصلی‌ترین دلایل گسترش حاشیه‌نشینی است. حاشیه‌نشین این احساس را دارد که شهر خانه او نیست، اگرچه خانه او در شهر است. به همین دلیل احساس تعلق شهروندی پایینی دارد و در حفظ و نگهداری محله خود اشتیاق زیادی ندارد و خود را یک رانده‌شده تلقی می‌کند که این امر ممکن است سبب انجام‌شدن جرائم و تخلفات زیادی در این محله‌ها شود (دهقانی و اکبرزاده، ۱۳۹۶: ۲۹۰).

بررسی‌ها نشان می‌دهند در طرح‌های شهری، همچنان غایب بزرگ رویکردهای اجتماعی است. نتایج نشست متخصصان علوم اجتماعی حوزه شهری در انجمن جامعه‌شناسی ایران (۱۳۹۳) نشان می‌دهند طرح‌های جامع شهری و تفصیلی در شرح خدمات خود مطالعات جمعیتی و اجتماعی را گنجانده‌اند؛ اما تنها به مطالعات جمعیتی (میزان رشد جمعیت، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل و نحوه تصرف مسکن) بسنده کرده‌اند. در معدودی از آنها می‌توان رویکرد اجتماعی یافت که آن هم با ادبیات غیرکارشناسانه همراه است. گزارش ارزیابی برنامه اصفهان ۱۴۰۰ (۱۳۹۵) نشان می‌دهد برنامه‌های موجود اصفهان در همه حوزه‌ها از جمله مدیریت و کاهش آسیب‌های اجتماعی، فراگیری، جامعیت، کفایت، استمرار، پایداری و اثربخشی را ندارند و

¹ Kelly et al.

جرم هم باشد) و نداشتن آرامش در منطقه ۱۹ (جرم‌خیز) بالاست و در مناطق ۱ و ۳ پایین است.

امیری و همکاران (۱۳۹۲) آسیب‌های اجتماعی ناشی از حاشیه‌نشینی را در منطقه ۱۹ تهران بررسی کرده‌اند. نتایج کلی و یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که مدیران منطقه ۱۹، خاستگاه آسیب‌های اجتماعی را مسائل خانوادگی و اقتصادی می‌دانند و بیکاری، اعتیاد و تکدی‌گری را مهم‌ترین آسیب‌ها معرفی کرده‌اند. فقر و طلاق با رتبه دو و پنج، مهم‌ترین دلایل بروز آسیب‌های اجتماعی‌اند. روش انجام این پژوهش، توصیفی - تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات آن، اسنادی - پیمایشی و مبتنی بر پرسش‌نامه است.

ابراهیمی فلاح (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «شناخت ابعاد و زمینه‌های مؤثر در فضای بی‌دفاع شهری؛ مورد مطالعه: محله فرحزاد تهران» فضای بی‌دفاع شهری را چنین تعریف می‌کند: امنیت پایین به همراه جرائم بالا در کنار آسیب‌های اجتماعی بالا. در نظر او فضای بی‌دفاع شهری یا فضای دفاع‌ناپذیر شهری نسبت به محله جرم‌خیز مفهوم جدیدتری است.

رامین (۱۳۹۵) در پژوهشی عملکرد شهرداری تهران را در مدیریت آسیب‌های اجتماعی بررسی کرده است. نتایج پژوهش او نشان می‌دهند «نمایشگری عملکردی و توجه به منظره شهری» از راهبردهای اصلی شهرداری در مدیریت آسیب‌های اجتماعی است. جمع‌آوری معتادان، متکدیان، کودکان کار، زنان ویژه (آسیب‌دیده) و... بدون حل ریشه‌های اعتیاد و تکدی‌گری مهم‌ترین راهبرد شهرداری است. در این راهبرد تمرکز اصلی بر معلول است و علت‌ها به حاشیه رانده شده‌اند.

حسین‌زاده (۱۳۹۶) نیز در پژوهشی با عنوان «تبیین نقش فضاهای شهری در پیشگیری از وقوع جرائم خشن در شهر اصفهان» نشان می‌دهد توزیع فضایی جرائم خشن بین مناطق مختلف ۱۵ گانه شهر اصفهان متفاوت است. در مناطق حاشیه‌نشین و بافت‌های فرسوده شاهد افزایش وقوع جرائم خشن‌ایم. او میان میزان تراکم جمعیت و جرائم خشن نیز

مدیران برنامه‌ریزی شهری بدون در نظر گرفتن ابعاد انسانی و اجتماعی شهری‌شدن و صنعتی‌شدن، برنامه‌های رشد شهری را پیاده کرده‌اند.

بر همین اساس مطالعه این مسائل و ارائه راهکارهایی در این زمینه ضروری و مهم به نظر می‌رسد؛ از این‌رو، این پژوهش در پی آن است که با جمع‌آوری داده‌ها از طریق روش اسنادی و کتابخانه‌ای و با بهره‌گیری از فن جبر بولی در تحلیل تطبیقی، عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و تشدید آسیب‌های اجتماعی در مناطق ۱۵ گانه شهری اصفهان را بررسی کند. هدف این پژوهش پاسخ به این پرسش‌های محوری است: چرا در برخی مناطق شهر اصفهان میزان آسیب‌های اجتماعی بیش از سایر مناطق است؟ چه ترکیب‌هایی از عوامل فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی موجب تشدید آسیب‌های اجتماعی شهر اصفهان شده‌اند؟ از میان این الگوهای علی، کدام یک نقش تبیین‌کنندگی بیشتری دارند؟

پیشینه پژوهش

به دلیل بدیع بودن مفهوم «محله‌های فوق بدخیم» و تیپ‌بندی جدید مناطق شهری اصفهان با توجه به معیار فرهنگی - اجتماعی، طبیعی است که تاکنون پژوهش مستقیمی در این زمینه انجام نشده باشد که بتوان به آن اشاره کرد. با وجود این، پژوهش‌هایی که به لحاظ موضوعی و گستره جغرافیایی نزدیکی زیادی به این پژوهش دارند، پایه خوبی برای بررسی محسوب می‌شوند:

معاونت برنامه‌ریزی استانداری تهران در طرح تهیه و تدوین برنامه آمایش استان (۱۳۸۸)، وضعیت فرهنگی استان تهران را تحلیل کرده است. در این پژوهش با توجه به پژوهش‌های پیشین به ویژه ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ارزش‌های تهرانی‌ها و با توجه به پژوهش‌های دانشگاهی، مناطق ۲۰ گانه تهران بررسی شده‌اند. در نهایت چنین نتیجه‌گیری شده است که میزان بیمناکی (می‌تواند ترس از

والیس^۳ (2011) در پژوهش خود با عنوان «مسائل اجتماعی شهری» اهمیت یافتن مراکز حاشیه‌نشین شهر و در حاشیه قرار گرفتن مراکز شهرها (غلبه حاشیه بر متن) به واسطه افزایش مهاجرت به حاشیه‌های شهرها را بررسی کرده است. در این پژوهش به نقش رفتار افراد، تضعیف روابط خانوادگی، همسایگی و شبکه‌های محلی در گسترش آسیب‌های اجتماعی توجه شده است. او ماهیت آسیب‌های اجتماعی را در دو نقطه حاشیه و مرکز شهر بررسی کرده و راهکارهایی در حوزه سیاست‌گذاری و مدیریت این آسیب‌ها ارائه داده است.

شاو و مک‌کی^۴ (2012) با جمع‌آوری مجموعه‌ای از داده‌ها و آمار درباره مناطق خاص شهری از طریق دادگاه و پلیس نشان می‌دهند چنین مناطقی فرصت‌های مناسبی را برای فعالیت‌های مجرمانه شامل خرید و فروش مواد مخدر، اموال مسروقه، مشروبات الکلی و دیگر رفتارهای منحرفانه فراهم می‌آورند که این رفتارها تأثیر بسزایی در الگوهای فکری و رفتاری کودکان ساکن در این مناطق دارند.

راین‌واتر^۵ (2016) در پژوهشی کیفی مسائل فرهنگی - اجتماعی عمده شهری را با توجه به دیدگاه‌های مدیران شهری بررسی کرده است. براساس این بررسی ۷۰ درصد از پاسخگویان معتقدند امنیت شهری و جرائم شهری از مهم‌ترین مسائل شهرهای امروزی و حفظ امنیت و کاهش جرائم شهری مهم‌ترین اولویت برنامه‌های مدیران شهری در مدیریت شهر است.

چارچوب نظری

از نخستین بررسی‌ها درباره آسیب‌ها و مسائل شهری به مکتب شیکاگو و پژوهشگران برجسته آن برمی‌گردد. شیکاگو در عرض شصت سال با توجه به رشد اقتصادی، صنعتی و در پی آن مهاجرت گسترده از یک روستای چندخانواری به یک کلان‌شهر چندمیلیونی تبدیل شده

رابطه مستقیمی می‌بیند. مدیریت و برنامه‌ریزی شهری، طراحی محیطی، فضاها شهری و عوامل اقتصادی و اجتماعی به ترتیب بیشترین تأثیر را بر وقوع جرائم خشن دارند.

دهقانی و اکبرزاده (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «حاشیه‌نشینی همچون آپاندیسیت شهری» به روش تحلیل ثانویه نشان می‌دهد در سطح کلان صنعتی شدن و مهاجرت، در سطح میانی برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی نادرست و در سطح خرد جستجو برای کار و برخورداری از مسکن و رفاه اقتصادی از دلایل شکل‌گیری و افزایش بی‌رویه حاشیه‌نشینی و آسیب‌های اجتماعی در شهر اصفهان بوده‌اند. او در این پژوهش درصدد است با ارائه راهکارهای کاربردی به مدیران و سیاست‌گذاران شهری کمک کند در برنامه‌ریزی و توزیع عادلانه امکانات شهری موفق‌تر عمل کنند.

سامسون و گراوز^۱ (1989) با توجه به داده‌های جمع‌آوری شده در بریتانیا بی‌سازمانی اجتماعی را آزمون کردند. آنها براساس تحلیل ثانویه، شاخص محقق‌ساخته‌ای را برای اندازه‌گیری بی‌سازمانی اجتماعی طراحی کردند. این شاخص از این موارد تشکیل شده بود: پایگاه اجتماعی - اقتصادی پایین، مهاجرت، تنوع نژادی و شهری شدن. نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهند اجتماعات محلی که پیوندهای اجتماعی قوی‌تری دارند و کنترل غیررسمی در آنها بیشتر است، میزان آسیب‌ها و جرائم کمتری دارند. ویلسون^۲ (2010) در بررسی شهری خود با عنوان «مدل کلی شهری: گذشته‌نگری و آینده‌نگری»، بر محله‌های آسیب‌خیز و جرم‌خیز متمرکز شده و به این نتیجه رسیده است که چنین محله‌های از نظر بوم‌شناختی دچار انزوای اجتماعی شده‌اند و به صورت برش‌های معیوب جمعیتی درآمده‌اند. در نتیجه چنین اتفاقاتی، میزان رشد جرائم به شکل عنان‌گسیخته‌ای در این مناطق افزایش یافته است.

³ Wallis

⁴ Shaw & McKay

⁵ Rainwater

¹ Sampson & Groves

² Wilson

محله‌های طوقچی و مفت‌آباد (کوله‌پارچه) و در حوالی گورستان تخت‌فولاد و در جنوب‌شرقی اصفهان نمایان شد و رفته‌رفته با توسعه صنایع و تشدید نیاز به کارگران صنعتی و به‌ویژه بعد از پایه‌گذاری صنعت ذوب‌آهن در سال ۱۳۴۶ در مجاورت اصفهان رو به فزونی گذاشت و مناطقی مانند صحرا روغن و دستگرد در غرب اصفهان، مفت‌آباد در جنوب‌شرقی، مسیر جاده زینیه در شمال‌شرقی، روستاهای شمال شهر اصفهان و مزارع و روستاهای غربی یعنی کنار جاده ذوب‌آهن را در بر گرفت (انصاری و جواهری، ۱۳۷۹: ۴۴۰).

شکل‌گیری این پدیده مسائل متعددی را با خود به‌همراه داشت که تنها به مناطق حاشیه‌نشین محدود نمی‌شود و بر کل یک شهر تأثیر می‌گذارد. به‌طوری‌که پیامد آن بروز انواع ناهنجاری در زمینه شهرنشینی است. اشتغال افراد حاشیه‌نشین در مشاغل غیررسمی و کاذب، وجود ساخت‌وسازهای غیرمجاز، ناتوانی شهرداری‌ها برای ارائه خدمات مناسب در این مناطق، آلودگی محیط زیست، اثرات نامطلوب فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی این مناطق بر کل سیستم شهری و افزایش جرم و انحرافات در این مناطق، همگی از جمله آثار مخرب و مضر حاشیه‌نشینی، چه روی ساکنان آن مناطق و چه روی دیگر افراد ساکن در این شهر است. در این مناطق، اغتشاش کالبدی و بی‌هویتی فضایی ملموس یا در حال آشکار شدن است. جمعیت این مناطق از سه گروه عمده تشکیل شده است: افراد مهاجر غیربومی (غیرماهر)، افراد کم‌درآمد بومی شهری و افرادی که بومی محل فعلی‌اند و با وجود تمایل زیاد به ترک محله، بیشتر به دلیل نداشتن توانایی مالی، امکان ترک محله و اسکان در محله دیگری از شهر را ندارند. در کنار این موارد بی‌میلی سرمایه‌داران و بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در این محله‌ها و ناچیز بودن سرمایه‌گذاری بخش دولتی، سبب شدت گرفتن تدریجی ناهنجاری‌های کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نسبت به سایر مناطق شهری شده است (خوب‌آیند، ۱۳۸۴: ۲۷). براساس

بود. این امر ضرورت بررسی این شهر و تبدیل آن به آزمایشگاه بزرگ اجتماعی را برای جامعه‌شناسان و دیگر پژوهشگران فراهم کرد. براساس دیدگاه مکتب شیکاگو، هر منطقه شهری ایفاگر نقش و کارویژه خاصی است و مناطقی وجود دارند که تولیدکننده مسائل شهری‌اند. این مسائل شهری پیوند نزدیکی با حاشیه‌نشینی پیدا کرده‌اند (امیری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۲). حضور پژوهشگران در میدان و بررسی‌های عمیق و مشاهدات گسترده در شیکاگو، دیدگاه‌های نظری غنی را برای تحلیل آسیب‌ها و جرائم شهری به وجود آورد. شهر اصفهان نیز در یک‌صد سال اخیر از جمعیتی ۸۰ هزار نفری به بالغ بر دو میلیون نفر رسیده است (آمارنامه شهر اصفهان، ۱۳۹۵). سیر تاریخی تحول شهر اصفهان نشان می‌دهد در سال ۱۳۳۴ تعداد ۱۹ هسته روستایی پراکنده وجود داشته است که هیچ پیوند و ارتباطی با یکدیگر نداشته‌اند. از سال‌های ۴۲ تا ۵۲ مراحل توسعه تاریخی سبب رشد هسته‌های روستایی شده و هسته‌های جدید شهری نیمه‌شهری نیز در اطراف اصفهان به وجود آمده است. پس از انقلاب نیز با افزایش شتاب شهرنشینی و صنعتی شدن فرایند تغییرات افزایش یافته است (بازنگری طرح تفصیلی مناطق ۱۵ گانه، ۱۳۸۳: ۴). قبل از صنعتی شدن اصفهان فعالیت‌های تولیدی در مناطق روستایی متمرکز بودند. کشاورزی فعالیت اصلی بود و کشاورزان قسمت اصلی نیروی کار را تشکیل می‌دادند. در عین حال، جمعیت شهر کم بود و بسیاری از ساکنان آن پایگاه شغلی چشمگیری نداشتند. با ورود صنایع جدید به اصفهان، تمامی این ابعاد دگرگون شدند و نیاز به نیروی کار را در این شهر افزایش دادند و به این ترتیب مهاجرت گسترده‌ای آغاز شد (زاهدزادانی، ۱۳۶۹: ۱۷).

به معنای دقیق‌تر، تاریخ حاشیه‌نشینی اصفهان همزمان با نهضت صنایع نساجی در اصفهان از اواسط دوره پهلوی اول آغاز شد. در آن زمان حاشیه‌نشینی کارگران نساجی در

اطلاعات اسنادی، مناطق حاشیه‌نشین اصفهان تقریباً ۱/۳۱ برابر بیشتر از سایر مناطق شهر اصفهان مهاجر غیربومی جذب کرده‌اند که این موضوع بسیار مهم است (امان‌پور، ۱۳۹۰: ۲۴۳). ازسویی، نزدیک به ۵۰ درصد (۴۶/۸٪) از مهاجرت‌ها به اصفهان تبعی است؛ یعنی اعضای خانواده به پیروی از افرادی مهاجرت کرده‌اند که برای یافتن شغل و ادامه تحصیل به اصفهان آمده‌اند (اطلس کلان‌شهر اصفهان، ۱۳۹۴) که این امر در آسیب‌دیدن کل خانواده و بروز آسیب‌های اجتماعی بیشتر در این مناطق نقش مهمی داشته است.

افراد مهاجر و گروه‌های کم‌درآمد شهری، به دلیل نداشتن یا پایین بودن مهارت و تخصصشان، یا در مشاغل موقتی، حاشیه‌ای و کاذب جذب می‌شوند یا به دسته بزرگ بیکاران شهری می‌پیوندند. این مسئله ایجادکننده نوع جدیدی از نابرابری اقتصادی - اجتماعی است. تقریباً حدود یک‌سوم از جمعیت هر شهر در منازل اجاره‌ای زندگی می‌کنند که این جمعیت هر سال با افزایش قیمت‌ها روبه‌رو می‌شوند (Yap Kioe, 2002: 21). در اصفهان پایین بودن اجاره‌بهای مسکن در مناطق فقیرنشین یکی از دلایل افراد مهاجر و کم‌درآمد شهری برای تمایل به اسکان در این مناطق بوده است. کیفیت مساکن در مناطق حاشیه‌نشین اصفهان، در بیشتر مواقع نامناسب است و هرچه مسافت آنها از شهر دورتر شود، سطح کیفی خانه‌ها و سبک متوسط زندگی کاهش می‌یابد. نکته مهم این است که حدود نیمی از ساکنان این منطقه یعنی ۴۵/۳ درصد از آنان منزل مسکونی شخصی دارند که نشان‌دهنده ارزانی زمین یا مسکن در منطقه مطالعه شده نسبت به سایر نقاط شهری است. از لحاظ زیربنای مسکونی بین افراد پاسخگو ۷۷/۱ درصد از آنها در خانه‌های ۵۰-۱۰۰ متری زندگی می‌کنند (امان‌پور، ۱۳۹۰). ویلسون (2010) نیز معتقد است وجود اشتغال‌هایی با مهارت پایین و مهاجرت‌های پی‌درپی کارگران کم‌درآمد پیامدهای فرهنگی، اقتصادی و بوم‌شناختی برای چنین شهرهایی دارد. تانس و زنانسکی با ارائه دو مفهوم ناامیدی و

سازمان‌زدایی اجتماعی درباره مهاجران معتقدند از آنجا که مهاجران پیوندهای حیاتی خود را با چارچوب‌های اجتماعی و ملی خود از دست داده‌اند، دچار سردرگمی و مستعد انحرافات اجتماعی و غرق در فقر و تنگدستی می‌شوند. پژوهش‌های آنها نشان می‌دهند در مرحله نخست نسل اول مهاجران با ازدست‌دادن ریشه‌های اخلاقی و تکیه‌گاه‌های اجتماعی خود به شدت ضربه می‌خورند و دچار بی‌ثباتی شخصیتی و انحرافات اجتماعی می‌شوند و نسل دوم آنها خرده‌فرهنگ‌های مختلفی را تشکیل می‌دهند (به نقل از فکوهی، ۱۳۸۳: ۱۸۲). در محله‌های حاشیه‌نشین میزان جرائم و بزهکاری‌ها به دلیل تراکم بالای جمعیت، فقر فزاینده، شکستگی ساختارها، ایجاد گسست‌های اجتماعی، تضعیف پیوندهای اجتماعی و رهایی افراد از فشار افکار عمومی و کنترل رسمی، بالا ارزیابی می‌شود. در واقع، نسبت معناداری بین حاشیه‌نشینی سکونتگاه‌های غیررسمی با جرم و آسیب‌های اجتماعی وجود دارد و مناطق حاشیه‌نشین به منزله جزیره‌های آسیب‌زای شهری، از منابع اصلی جرم و بزهکاری به شمار می‌آیند. مناطق حاشیه‌نشین به دلیل شرایط محیطی، وجود عناصر نامساعد و بافت ناهمگون اجتماعی و فرهنگی از جرم‌خیزترین مناطق شهری محسوب می‌شوند.

بی‌سازمانی اجتماعی^۱

مهم‌ترین دیدگاه‌های نظری معاصر درباره آسیب‌ها و مسائل شهری، مکان را هسته اصلی تبیین در نظر گرفته‌اند. شاو و مک‌کی (2012) با تأکید و تمرکز بر خصوصیات محل به جای خصوصیات مجرمان و بزهکاران، تغییراتی اساسی در این حوزه ایجاد و اینگونه مطالعات را به زمینه‌های اجتماعی آن مرتبط کردند. آنها در بررسی خود به این نتیجه رسیدند که افراد اجتماعی که دچار بی‌سازمانی اجتماعی‌اند، در تحقق ارزش‌های مشترک ناتوان‌اند و در نتیجه نمی‌توانند کنترل

¹ Social disorganization

میان افراد اجتماع؛ ۲- پیوستگی: پیوندهای قوی میان افراد اجتماع؛ ۳- یکپارچگی: تعاملات قوی میان افراد ساکن. الگوی نهایی بی‌سازمانی اجتماعی از این قرار است:

ویژگی‌های محله‌های شهری ← پیوندهای اجتماعی ← کنترل اجتماعی غیررسمی ← آسیب‌ها و جرائم شهری (Kubrin & Wo, 2016: 122-123).

جمعیت‌شناختی همچون سن، بعد خانوار، تراکم جمعیت و محل سکونت بر بی‌سازمانی اجتماعی تأثیر دارد. آنها معتقدند محیط فیزیکی شهر با الگوهای فرهنگی - اجتماعی، جمعیت اجتماعی و شهرنشینی در هم تنیده است. استارک نیز سه جنبه ساختار شهری را از مؤلفه‌های پیش‌بینی‌کننده ارتکاب جرم و بروز آسیب‌های اجتماعی دانسته است که عبارت‌اند از: تراکم، فقر و کاربری مختلط که منظور از آن وجود اقامتگاه، صنایع و فروشگاه در یک مکان است (به نقل از خطیب‌زاده، ۱۳۹۲: ۳).

از دلایل عمده آسیب‌خیزی مناطق شهری اصفهان، تراکم فروشی بیش‌ازحد است. در طول سال‌های اخیر بزرگ‌ترین خیانت به کلان‌شهرهای کشور از جمله اصفهان همین امر بوده است. همان‌طور که گفته شد، محله‌های جرم‌خیز و آسیب‌زا بالاترین میزان تراکم جمعیتی را دارند. نسبت مستقیمی میان تعداد طبقات ساختمانی در محله‌ها و آسیب‌ها و جرائم موجود در آن محله وجود دارد. در سال ۱۹۷۲ اسکار نیومن در پاسخ به این پرسش که آیا احداث ساختمان‌های مرتفع سبب شایع شدن جرم می‌شود یا خیر، درباره پروژه مسکن عمومی نیویورک مطالعه کرد و آن را با ساختمان‌هایی مقایسه کرد که ساکنان مشابه اما طراحی متفاوتی داشتند. نیومن نشان داد میزان جرم در ساختمان‌های بلند و معمولاً بیش از شش طبقه بیشتر از ساختمان‌های کمتر از شش طبقه است. گزاره اصلی نیومن این بود که هرچه ساختمان بلندتر باشد، میزان جرم بیشتر است (به نقل از مشونیس، ۱۳۹۵، ۲۹۰). نتایج نظرسنجی احیای هویت محلی شهروندان اصفهانی (۱۳۹۱)

اجتماعی مؤثری بر اجتماع حاکم کنند. در مقابل، اجتماعی که سازمان اجتماعی لازم را دارد در برابر آسیب‌ها و جرائم، کنترل‌های مؤثری دارد. آنها مهم‌ترین ویژگی‌های سازمان اجتماعی را موارد زیر می‌دانند: ۱- انسجام: اجماع درونی بالا

شاو و مک‌کی (۲۰۱۲: ۱۸) با بررسی درباره خرده‌فرهنگ‌های محله‌ها پی بردند که مناطق شهری با پایگاه اقتصادی پایین، بیش از آنکه منسجم و یکپارچه باشند، به‌شدت از نظر هنجاری و رفتاری متنوع‌اند. جوانان در این مناطق بیش از آنکه در معرض الگوهای هنجاری قانونی و استاندارد باشند با الگوهای غیرقانونی روبه‌رو هستند. در چنین اجتماعی، کودکان نیز در معرض جرائم بزرگسالان قرار می‌گیرند و از همان کودکی رفتارهای غیرقانونی را بازی می‌کنند و می‌آموزند؛ البته کرا و همکاران^۱ (۲۰۰۸) معتقدند هر اندازه طرد اجتماعی محله‌ها و مناطق شهری نسبت به متن شهر افزایش یابد، فارغ از پیوندهای اجتماعی میان افراد ساکن در این مناطق، میزان آسیب‌ها و جرائم اجتماعی افزایش خواهد داشت. به عبارت دیگر، وجود شبکه اجتماعی فشرده میان افراد ساکن در محله اگرچه شرط لازم است، کافی نیست و شمول یا طرد این مناطق از متن شهر اهمیت زیادی دارد.

پژوهشگران مکتب شیکاگو در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیدند که مشکلات اجتماعی شهر شیکاگو به دلیل الگوهای کنترل‌نشده مهاجرت و ایجاد مناطق آسیب‌خیزند. افراد به اجبار کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند و هم‌زیستی بیمارگونه‌ای دارند. تمرکز در این مناطق ناشی از بی‌سازمانی اجتماعی است که نشان‌دهنده ناهماهنگی میان فرهنگ و ساخت اجتماعی است (نصیری، ۱۳۸۲: ۸۶). از نظر پژوهشگران مکتب شیکاگو همچون پارک و برگس، فهم عوامل

^۱ Cerdá et al.

اصفهان (مناطق ۷، ۱۰، ۱۳ و ۱۵) را نمی‌توان به‌طور کامل در یکی از تیپ‌های بالا قرار داد و تنها بخش‌هایی از آنها در هر یک تیپ‌ها قرار می‌گیرند^۲

تیپ نخست: منطقه تاریخی (منطقه ۱ و ۳)

در این تیپ محلی، ناب‌ترین ویژگی‌های شخصیت اصفهانی‌ها را می‌توان یافت. با وجود تغییرات زیادی که در شهر اصفهان و از جمله در این منطقه رخ داده است، همچنان قوی‌ترین بافت سنتی اصفهان در بخش‌هایی از این منطقه تاریخی قرار گرفته است. منطقه تاریخی اصفهان را می‌توان ستون فقرات شهر دانست و برای فهم شهر از نظر انسان‌شناسی و لایه‌برداری از نظام شخصیتی شهروند اصفهانی، بکرترین منطقه شهر به شمار می‌آید. در واقع، مناطق دیگر شهر پرورش یافته این منطقه به شمار می‌آیند و ژن غالب در شهر اصفهان در این منطقه ریشه دوانده است.

بیش از ۹۰ درصد از مردم منطقه ابراز کرده‌اند که در محله مسکونی خود احساس آرامش و امنیت دارند. ۵۸ درصد از ساکنان منطقه مالک، ۲۵ درصد از آنها اجاره‌نشین و ۱۳ درصد در خانه پدری ساکن‌اند. تراکم جمعیت آن ۹۵ نفر در هر هکتار است. ۹۲ درصد باسوادند و ۴۰ درصد تحصیلات عالی دارند. ۸۷ درصد شاغل و ۱۷ درصد مهاجرند. ۷ درصد از طلاق‌های شهر در این منطقه قرار دارد که با این احتساب از میان شش تیپ مناطق شهری اصفهان رتبه پنجم طلاق را دارد.

نیز نشان می‌دهند مالکان خانه‌ها بیشتر از اجاره‌نشین‌ها، صاحبان خانه‌های ویلایی بیشتر از آپارتمان‌نشین‌ها و ساکنان محله‌های کم‌تراکم جمعیتی بیش از نقاط پرتراکم از محل سکونتشان رضایت دارند. ناامن‌ترین نقاط شهری اصفهان پرتراکم‌ترین نقاط این شهر به شمار می‌آیند. به لحاظ میزان جرائم خشن نیز مناطق پرتراکم، بالاترین میزان جرائم را در مناطق ۱۵ گانه شهری اصفهان دارند و برخی نقاط به منزله کانون‌های جرم‌خیز شهر شناخته شده‌اند (حسین‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۳). به باور اولاک^۱ (1978: 535) مجموعه عوامل یادشده، در چند دهه گذشته سبب ایجاد و تشدید محله‌های پرجمعیت و کثیف شهری، تراکم جمعیتی زیاد و آسیب‌های اجتماعی متعدد در کشورهای در حال توسعه شده است.

تیپ‌شناسی مناطق ۱۵ گانه شهری اصفهان

قبل از شناسایی و بررسی محله‌های فوق بدخیم و آسیب‌های اجتماعی مرتبط با آنها، لازم است چنین محله‌هایی در تصویری بزرگ‌تر و بستری وسیع‌تر بررسی شوند. با بررسی مناطق ۱۵ گانه شهر اصفهان و توصیف وضع موجود آسیب‌های اجتماعی و ویژگی‌های مشترک اجتماعی، تاریخی و کالبدی آن مانند: پایگاه اجتماعی - اقتصادی (با توجه به سه شاخص تحصیلات، درآمد و شغل)، میزان برخورداری فرهنگی و اجتماعی (تعداد مراکز فرهنگی، تجاری، علمی و مراکز دولتی)، پیشینه شهری و روستایی (بومی و غیربومی بودن، میزان مهاجرت)، می‌توان شش تیپ مختلف مناطق شهری را شناسایی کرد که عبارت‌اند از: منطقه تاریخی (مناطق ۱ و ۳)، مناطق حاشیه‌نشین روستایی که شهری شده‌اند (مناطق ۲، ۹ و ۱۱)، منطقه مدرن (مناطق ۵ و ۶)، منطقه جان‌شینی (منطقه ۸)، منطقه مرکزی (منطقه ۴)، مناطق حاشیه‌نشین مهاجر و محله‌های فوق بدخیم که بیشتر در بخش‌های شرق و شمال‌شرق اصفهان متمرکز و در حال گسترش‌اند. در این میان طبیعی است که برخی مناطق شهری

^۲ - منطقه‌بندی فعلی شهرهای ایران از جمله اصفهان براساس محله‌های قدیمی و ویژگی‌های عمرانی انجام شده است؛ اما تیپ‌بندی حاضر برای نخستین بار و با توجه به ویژگی‌های همگن فرهنگی - اجتماعی ترسیم شده است. این تیپ‌بندی جدید، احتمالاً می‌تواند پایه‌ای برای پژوهشگران اجتماعی به شمار آید تا در آینده و با توسعه این الگو، تحلیل‌های مرتبط‌تری درباره آسیب‌ها و مسائل اجتماعی شهر ارائه دهند.

برای پیشگیری از تکرار بیش‌ازحد ارجاع‌دهی مطالب این قسمت از آوردن برخی ارجاع‌ها خودداری شده است؛ اما توضیح این نکته لازم است که مطالب این بخش برگرفته از منابع و اسنادی همچون آمارنامه شهر اصفهان (۱۳۹۵)، اطلس کلان‌شهر اصفهان (۱۳۹۴)، تحلیلی بر میزان برخورداری فرهنگی اجتماعی محلات شهر اصفهان (۱۳۹۵)، شناسنامه فرهنگی - اجتماعی محلات شهر اصفهان (۱۳۹۴) و نظرسنجی احیای هویت محلی شهروندان اصفهانی (۱۳۹۱) است.

^۱ Ulack

در این منطقه از شهر ساکن‌اند. بیش از ۸۰ درصد از اهالی منطقه گفته‌اند میان هم‌محله‌ای‌های خود اقوام و خویشاوندانی دارند. منطقه غرب بومی‌ترین منطقه شهری اصفهان است. در حالی که میانگین افراد مهاجر ساکن شهر اصفهان بیش از ۳۰ درصد است، کمتر از ۱۰ درصد از جمعیت منطقه غرب اصفهان، مهاجر است و بالای ۹۰ درصد بومی‌اند. منطقه ۲ با ۸۳ درصد بومی، منطقه ۹ با ۹۴ درصد بومی و منطقه ۱۱ با ۹۶ درصد مردم بومی به ترتیب کمترین میزان مهاجر را در خود جای داده‌اند.

در این منطقه میزان طلاق دو درصد است که با این احتساب از میان شش تیپ مناطق شهری اصفهان پایین‌ترین رتبه یعنی رتبه ششم را دارد و در واقع، کمترین میزان طلاق شهر را به خود اختصاص داده است. محله‌های جروکان، بابوکان جنوبی کمترین و محله بهارنچی و لیمجیر بیشترین میزان طلاق را دارند.

این منطقه با نزدیک به دویست و پنج هزار نفر جمعیت، کمترین جمعیت را در شهر اصفهان دارد. همچنین منطقه غرب اصفهان کمترین تراکم را در شهر اصفهان دارد. هر سه منطقه روی هم رفته ۱۰ درصد از جمعیت شهر را تشکیل می‌دهند؛ اما ۱۷ درصد از مساحت شهر را در بر می‌گیرند. آشکار است این نسبت جمعیت منطقه نسبت به مساحت آن، نشان‌دهنده میزان پایین تراکم جمعیت در این منطقه است.

در برخی محله‌های این منطقه مانند دهنو اگرچه میزان بافت‌های فرسوده و کوچه‌های تنگ و باریک زیاد است، تراکم جمعیت پایین، بومی‌بودن منطقه و در نتیجه قوی‌بودن انسجام محلی سبب شده است برخلاف منطقه ۱۴ آسیب‌های اجتماعی رواج زیادی پیدا نکنند. محله دهنو پرجمعیت‌ترین محله منطقه است. دهنو با ۹۵ درصد افراد بومی، یکی از بومی‌ترین محله‌های اصفهان است.

به جز محله زهران و نازوان، بقیه محله‌ها پایگاه اجتماعی - اقتصادی متوسط روبه‌پایین دارند. پژوهش حسین‌زاده (۱۳۹۶) نشان می‌دهد منطقه غرب اصفهان پایین‌ترین میزان

به لحاظ پایگاه اجتماعی و اقتصادی دو محله متوسط روبه‌پایین و بقیه محله‌ها متوسط روبه‌بالا هستند. بیشترین بافت فرسوده تاریخی در این منطقه قرار دارد. ۷۲ درصد از مردم منطقه گزارش کرده‌اند که از دخالت همسایگان در امور شخصی خود ناراضی‌اند و این رقم بیشترین میزان میان مناطق مختلف شهر اصفهان است. جمعیت غالب آن سالمندان‌اند و نسل‌های جوان‌تر به مناطق دیگر به‌ویژه منطقه مدرن (۵ و ۶) مهاجرت کرده‌اند. این منطقه به‌نوعی دچار بیماری کچلی شده است؛ یعنی از جمعیت تهی شده و افراد آن به مناطق مجاور مهاجرت کرده‌اند؛ البته نسبت پایین جمعیت جوان به جمعیت سالخورده سبب شده است میزان آسیب‌های اجتماعی کمتر از مناطقی باشد که نسبت جوانان بیشتری دارد.

تیپ دو: منطقه شهری - روستایی اصفهان مناطق ۲، ۹ و ۱۱ (منطقه غرب اصفهان)

اگر مناطق شهری اصفهان را براساس متغیر مهاجرت به دو بخش مناطق مهاجرپذیر و مهاجرفرست تقسیم کنیم، مناطق غرب اصفهان به‌جز برخی نقاط (محله‌های زهران و نازوان)، به دلیل نداشتن اجازه برای تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی و نبود مراکز خرید و تجاری و به‌طور کلی پایین‌بودن جذابیت‌های شهری، مناطقی مهاجرفرست به‌شمار می‌آیند. تاحدودی منطقه ۹ و به‌ویژه مناطق ۲ و ۱۱ محروم‌ترین مناطق در زیرساخت‌های فرهنگی همچون مراکز خرید، هتل‌ها، پارکینگ و سالن‌های سینما و تئاتر شهرد (نورانی و ستاری، ۱۳۹۶: ۵۳). بیشتر افراد به‌ویژه جوانان برای کار و زندگی بهتر به مناطق دیگر و حتی شهرهای پیرامونی مانند خمینی‌شهر و نجف‌آباد مهاجرت کرده‌اند.

به همین دلیل، منطقه غرب اصفهان همچنان نسبت به مناطق دیگر تاحدودی دست‌نخورده و بکر باقی مانده و در معرض مهاجرت گسترده و صنعتی‌شدن بی‌رویه قرار نگرفته است. همین امر سبب شده است میزان جرائم و آسیب‌های اجتماعی کمتری نیز داشته باشد. بیشترین میزان اقوام و آشنایان

برای مناطق دیگر اصفهان دانست که سرریز جمعیتی شهر در آنها صورت می‌گیرد. منطقه ۸، با نزدیک به دویست و شصت هزار نفر جمعیت، پرجمعیت‌ترین منطقه اصفهان به شمار می‌آید. این منطقه با ۱۳ درصد طلاق رتبه نخست طلاق را در شهر دارد. محله‌های میرعماد، شهریار، بهارستان و محمودآباد کمترین میزان طلاق و آهنگران و ملک‌شهر بیشترین میزان طلاق را دارند. ۷ محله پایگاه اجتماعی - اقتصادی متوسط روبه‌پایین دارند و بقیه محله‌ها متوسط روبه‌بالا هستند. تقریباً ۷۹ درصد از مردم منطقه ابراز کرده‌اند که در محله مسکونی خود احساس آرامش و امنیت دارند؛ اما بیش از ۷۰ درصد از مردم احساس خوبی نسبت به محله خود ندارند. این میزان احساس منفی بیشترین میزان احساس نارضایتی میان مناطق شهری اصفهان است.

منطقه ۱۲ با نزدیک به صد و چهل هزار نفر جمعیت و ۱۰ محله رتبه ششم پرجمعیت‌ترین منطقه را دارد. این منطقه ۷ درصد از سهم جمعیت شهر و ۷ درصد از مساحت شهر را به خود اختصاص داده است و با این احتساب بزرگ‌ترین مساحت شهر را دارد. تراکم جمعیت آن نیز ۸۵ نفر در هر هکتار است. ۹۳ درصد از ساکنان این منطقه باسوادند و ۳۰ درصد از آنها تحصیلات عالی دارند. ۸۴ درصد شاغل‌اند و نزدیک به ۴۰ درصد ساکنان آن افراد غیربومی و مهاجرند. این منطقه پس از منطقه ۱۴ بیشترین تعداد محله‌های فوق‌بدخیم و آسیب‌های اجتماعی را در خود جای داده است. در این منطقه ۵۰ درصد مردم گزارش کرده‌اند که حاضرند در اولین فرصت به دلیل مشکلات موجود در محله‌شان، آن را ترک کنند. به احتمال زیاد وجود صنایع آلاینده پر سر و صدا از دلایل اصلی این امر است.

تیپ پنج: منطقه مرکزی (منطقه ۴)

تیپ ایده‌آل این منطقه، منطقه ۴ شهر اصفهان است. بخش‌هایی از منطقه ۱۰ (نیمه غربی) نیز جزء این منطقه به شمار می‌آیند. عمده ساکنان این منطقه افراد طبقه متوسط شهری‌اند. منطقه ۴

جرائم خشن را دارد و از امن‌ترین مناطق شهر به شمار می‌آید.

تیپ سه: منطقه مدرن (مناطق ۵ و ۶)

رشدیافته‌ترین مناطق شهری اصفهان، مناطق ۵ و ۶ هستند. تقریباً به‌جز چند محله (دنارت، ردان، همت‌آباد، تخت‌فولاد و فیزیدان) تمام محله‌های واقع در این منطقه جزء مناطق متوسط روبه‌بالا به شمار می‌آیند. بیشترین تمرکز زیرساخت‌های فرهنگی و اقتصادی شهر در کنار منطقه تاریخی در مناطق ۵ و ۶ قرار گرفته است (نورانی و ستاری، ۱۳۹۶: ۵۳). به همین دلیل منطقه ۵ مهمان‌پذیر اصفهان معرفی شده و این برند در جذب و حفظ سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی اهمیت زیادی داشته است.

منطقه ۵ با صد و هفتاد و شش هزار نفر جمعیت و ۱۴ محله، یک از مناطق پرجمعیت و با تراکم بالا به شمار می‌آید. این منطقه با ۹ درصد طلاق رتبه دوم را میان شش تیپ مناطق شهری اصفهان به خود اختصاص می‌دهد و پس از منطقه جانشینی (۸) بیشترین میزان طلاق در این منطقه رخ داده است. محله‌های فیزیدان و حسین‌آباد کمترین و محله‌های وحید و سعادت‌آباد بیشترین آمار طلاق را دارند. با وجود همه اینها، پایگاه اجتماعی و اقتصادی بالا و تمرکز زیرساخت‌های فرهنگی و اقتصادی سبب شده است برخلاف منطقه ۱۴ محله‌های فوق‌بدخیم متعدد در آن شکل نگیرد. تقریباً ۹۰ درصد از مردم منطقه ابراز کرده‌اند که در محله مسکونی خود احساس آرامش و امنیت دارند. ۸۸ درصد از مردم بیان کرده‌اند که احساس خوبی نسبت به محله خود دارند و این درصد بالاترین میزان احساس مثبت نسبت به محله، میان مناطق ۱۵ گانه شهر اصفهان است (یوسفی، ۱۳۹۳: ۱۲۱).

تیپ چهار: منطقه جانشینی (مناطق ۸ و ۱۲)

اگر به رشد جمعیت مناطق مختلف شهری اصفهان دقت شود بیشترین رشد جمعیت را منطقه ۸ و بخشی از منطقه ۱۲ داشته‌اند. به همین دلیل این مناطق را می‌توان مناطق جانشینی

نشان می‌دهد تنها ساکنان منطقه ۱۴ با ۲۸ درصد موافقت، کم‌ترین میزان امنیت را گزارش کرده‌اند. کمترین احساس رضایت دربارهٔ مطلوب بودن محله (آیا محله ما انتظاراتمان از یک محله مطلوب را برآورده می‌کند یا نه؟) نیز به منطقه ۱۴ بازمی‌گردد که تنها ۴۴ درصد از پاسخ‌دهندگان با این گزاره موافق بوده‌اند. به لحاظ میزان جرائم خشن نیز پژوهش حسین‌زاده (۱۳۹۶: ۱۱) منطقه ۱۴ را یکی از کانون‌های جرم‌خیز شهر معرفی می‌کند و نشان می‌دهد بالاترین میزان جرائم را در مناطق ۱۵ گانه شهری اصفهان دارد. در سطح کلان‌شهر اصفهان جرائم سرقت همراه با آزار و اذیت، قتل، تجاوز جنسی، سرقت مسلحانه و در نهایت آدم‌ربایی به ترتیب رتبه اول تا پنجم را دارند که به لحاظ توزیع این جرائم در سطح مناطق ۱۵ گانه کلان‌شهر اصفهان سرقت همراه با آزار و اذیت، قتل و آدم‌ربایی در منطقه ۱۴ بالاترین میزان است.

محله‌های فوق بدخیم اصفهان

همان‌طور که در مقدمه اشاره شد، محله فوق بدخیم محله‌ای است که در آن مجموعه‌ای از آسیب‌های اجتماعی همچون اعتیاد، خرید و فروش مواد مخدر، طلاق، نزاع‌های دسته‌جمعی، قتل، تجاوز به عنف، و سرقت وجود دارد و این مسائل در این محله‌ها به گونه‌ای در هم پیچیده است که نمی‌توان آنها را به سادگی از هم مجزا کرد. عواملی همچون فقر، بیکاری، وجود بافت‌های فرسوده و امکانات ناچیز رفاهی و خدماتی در شکل‌گیری چنین محله‌هایی نقش مهمی داشته‌اند. بخش عمده‌ای از این نقاط در حاشیه‌های شهر و میان افراد حاشیه‌نشین شکل گرفته است. عمده‌ترین محله‌های فوق بدخیم در منطقه ۱۴ و بخش‌هایی از منطقه ۱۲ قرار دارند. این مناطق ناامن‌ترین مناطق شهری اصفهان به شمار می‌آیند؛ البته در معنای دقیق‌تر می‌توان ادعا کرد که اگرچه تقریباً هر منطقه از اصفهان محله فوق بدخیم خود را دارد، حاشیه شمال و شمال‌شرق این شهر بیشترین تمرکز را

با تقریباً صد و سی هزار نفر جمعیت و ۱۷ محله رتبه هفتم پرجمعیت‌ترین منطقه است. هفت درصد از جمعیت شهر و تقریباً شش درصد از مساحت شهر را دارد. تراکم جمعیت آن ۱۱۱ نفر در هر هکتار است. ۹۲ درصد از ساکنان این منطقه باسوادند و ۴۰ درصد تحصیلات عالی دارند. ۸۶ درصد شاغل و ۲۶ درصد مهاجرند. با ۸ درصد از طلاق‌های شهر رتبه چهارم را میان شش تیپ منطقه‌ای اصفهان دارد. محله پینارت کم‌ترین میزان طلاق و محله رکن‌الدوله بالاترین میزان طلاق را دارد. ۶ محله پایگاه اجتماعی - اقتصادی متوسط روبه‌پایین دارند و بقیه محله‌ها متوسط روبه‌بالا هستند. تقریباً ۸۸ درصد از مردم منطقه ابراز کرده‌اند که در محله مسکونی خود احساس آرامش و امنیت دارند.

تیپ شش: منطقه حاشیه‌نشین غیربومی (شمال و

شمال‌شرق اصفهان)

تیپ ایده‌آل این منطقه، منطقه ۱۴ است که با صد و هشتاد هزار نفر جمعیت و ۱۲ محله سومین منطقه پرجمعیت اصفهان است. تراکم جمعیت در آن ۱۷۸ نفر در هکتار است و بیشترین تراکم جمعیت در اصفهان را دارد. ۸۸ درصد از ساکنان آن شاغل و ۱۲ درصد بیکارند. ۵۷ درصد بومی و بقیه مهاجرند. با بیش از ۸ درصد طلاق رتبه سوم را میان شش تیپ مناطق شهری اصفهان دارد. نزدیک به ۳۰ درصد از مردم ابراز کرده‌اند احساس آرامش و امنیت در محله خود ندارند و این میزان از احساس ناامنی بالاترین میزان در مناطق شهری اصفهان است. به عبارتی، منطقه ۱۴ ناامن‌ترین منطقه شهری اصفهان به لحاظ ناامنی روانی است. ۴۲ درصد از مردم احساس خوبی نسبت به محله خود ندارند. بیشترین نارضایتی مردم منطقه ۱۴ به کثیفی معابر، تجمع زباله و آشغال، وجود معتادان و خرید و فروش مواد مخدر بازمی‌گردد. بررسی پاسخ‌های مردم مناطق مختلف شهر اصفهان به این پرسش که آیا در محله خود زندگی همراه با آرامش و امنیت دارید یا نه،

در این زمینه دارد.

محلّه‌های حصّه شمالی، دارک، ارزنان، عمان سامانی و جلوان از بیشترین آسیب‌های اجتماعی در منطقه ۱۴ و در شهر اصفهان رنج می‌برند و جزء مناطق جرم‌خیز به حساب می‌آیند. همچنین این منطقه جوان‌ترین ترکیب سنی شهر را دارد. حصّه شمالی، دارک و ارزنان بیشترین تعداد افراد صفر تا ۱۴ سال را دارند. در کل، منطقه ۱۴، ۴۵ هزار نفر افراد صفر تا ۱۴ سال را دارد. وجود بافت‌های ریزدانه، متراژهای زیر ۱۰۰ متر و افراد غیربومی از مهم‌ترین ویژگی‌های بارز منطقه است. مهم‌ترین موضوعی که باید در این منطقه به آن توجه شود، ملیت و قومیت است. برای نمونه حصّه به محله‌ای چندملیتی متشکل از افغانه، ایرانی، عراقی و سوری تبدیل شده است. محله‌های دوظفلان و باتون جزء محله‌های بومی و سنتی منطقه‌اند؛ اما بسیاری از افراد بومی باتون از این محله رفته‌اند و خانه‌های خود را به مهاجران اجاره داده‌اند و همین امر به لحاظ فرهنگی سبب تغییر بافت سنتی محله شده است.

محلّه عمان سامانی با ۲۲۲ نفر تراکم جمعیت در هر هکتار و ۵۵ درصد مهاجر، بالاترین میزان تراکم جمعیت را در شهر اصفهان دارد. ارزنان که از محله‌های قدیمی اصفهان است، ۲۱۳ نفر در هر هکتار تراکم جمعیت و بالاترین میزان افراد صفر تا ۱۴ سال را میان تمام محله‌های اصفهان دارد. شهرک امام‌حسین (ع) (دارک) ۱۵۳ نفر تراکم جمعیت در هر هکتار و ۴۶ درصد مهاجر دارد. محلّه جلوان با ۶۵ درصد مهاجر بالاترین میزان مهاجرت را پس از محلّه حصّه میان همه محله‌های اصفهان دارد. حصّه شمالی با ۱۸۰ نفر در هر هکتار تراکم جمعیت، در کنار ارزنان، بالاترین میزان افراد صفر تا ۱۴ سال را دارد و با ۶۷ درصد مهاجر، بالاترین میزان مهاجرت را میان همه محله‌های اصفهان دارد. محلّه حصّه جنوبی از محله‌های آسیب‌زا و جرم‌خیز به شمار می‌آید. جمعیت آن نزدیک به ۶ هزار نفر و تراکم جمعیت آن ۱۶۰ نفر در هر هکتار است و در کنار محله‌های حصّه شمالی و

ارزنان بالاترین میزان افراد صفر تا ۱۴ سال را در اصفهان دارد. در منطقه ۱۲ محلّه‌های امیر عرب و ناصرخسرو بیشترین آسیب‌های اجتماعی را دارند. بیشتر ساکنان محلّه امیر عرب مهاجران عراقی‌اند که در دوران جنگ به این منطقه مهاجرت کرده‌اند. هر دو محلّه مهاجرنشین‌اند. محلّه امیر عرب نزدیک به ۵۰ درصد و محلّه ناصرخسرو با ۵۲ درصد مهاجر بیشترین میزان مهاجرت منطقه را به خود اختصاص داده‌اند. تراکم جمعیت در این مناطق بسیار بالاست. به‌طوری که در محلّه امیر عرب ۱۷۷ نفر تراکم جمعیت در هر هکتار وجود دارد. هر دو محلّه ناصرخسرو و امیر عرب، تراکم بالای جمعیت صفر تا ۱۴ سال را دارند (۴ هزار نفر در امیر عرب و ۴ هزار نفر در ناصرخسرو). ملک‌شهر نیز که در دوره پهلوی دوم توسط مهندس ملک‌پور ساخته شده است، در زمان خود یکی از پروژه‌های موفق شهرسازی در ایران به شمار می‌رفت؛ اما در دهه ۶۰ و با ورود مهاجران جنگ‌زده عراقی و مهاجران دیگر و اسکان بدون برنامه آنها در محلّه عرب‌ها، نظم موجود در منطقه به هم خورد و با موجی از آسیب‌های اجتماعی روبه‌رو شد. در منطقه ۷ نیز شهرک ولیعصر منطقه جرم‌خیز است و با وجود نقشه‌بندی جدیدتر، بافتی شبیه به محلّه امیر عرب دارد.

محلّه وحید نقطه آسیب‌خیز منطقه ۵ است. این محلّه نزدیک به ۱۵ هزار نفر جمعیت دارد و ۱۸۸ نفر در هر هکتار نشان می‌دهد تراکم بالای جمعیتی دارد. بیشترین جمعیت سالمند بالای ۶۵ سال را دارد. نزدیک به ۴۰ درصد از ساکنان آن مهاجرند. محلّه آسیب‌زای منطقه ۶ همت‌آباد (مفت‌آباد) است. سه عامل ارزان‌بودن زمین، مهاجرت بی‌رویه و سکونت کارگران مهاجر صنعتی و وجود بافت‌های فرسوده (که البته در سال‌های اخیر شماری از آنها بازسازی شده‌اند) از دلایل اصلی آسیب‌خیزبودن این محلّه است. ۱۶ هزار نفر جمعیت دارد و تراکم جمعیت در آن ۱۸۳ نفر در هر هکتار است. تعداد افراد سالمند در آن بالاست و ۳۷ درصد از ساکنان آن مهاجرند. این

۱۴۰-۱۳۳؛ طالبان، ۱۳۸۸: ۴۶۶). این رویکرد به پژوهشگر اجازه می‌دهد درباره علل مختلف در بافت اجتماعی از نظر تطبیقی مطالعه کند.

آماده‌کردن و تحلیل داده‌ها

در جبر بولی هر متغیر به صورت دوازده‌گانه «وجودداشتن/وجودنداشتن یا حضور/غیاب» مدنظر قرار می‌گیرد؛ بنابراین، در تحلیل بولی داده‌های اجتماعی، کلیه متغیرها اعم از مستقل و وابسته، باید به متغیرهای دوشقی (کد صفر و یک) تبدیل شوند و در سطح سنجش اسمی دوقوله‌ای تحلیل می‌شوند. در این مطالعه نیز متغیرهای پژوهش بر مبنای میانه داده‌های شش تیپ مناطق اصفهان دوشقی شدند. به طوری که مقادیر بالای میانه، کد یک و ارزش میانه و پایین تر کد صفر گرفتند. میانگین مهاجرت مناطق ۱۵ گانه شهر اصفهان ۷۰ درصد است. براساس آمارنامه شهر اصفهان (۱۳۹۵)، پایگاه اجتماعی - اقتصادی مناطق ۱۵ گانه شهر اصفهان با توجه به سه شاخص تحصیلات، درآمد و شغل افراد به سه طبقه پایین، متوسط و بالا تقسیم شده‌اند. بر این اساس یک سوم مناطق شهری اصفهان جزء طبقات پایین و دو سوم دیگر آن جزء طبقات متوسط و متوسط روبه بالا شناخته شده‌اند. متغیر سن نیز با توجه به میانگین سنی - تقریباً ۳۲ سال - افراد ساکن در مناطق ۱۵ گانه به دست آمده است. سالمندترین مناطق شهری اصفهان به ترتیب عبارت‌اند از: منطقه ۱، منطقه ۳، منطقه ۶ و منطقه ۵ و جوان‌ترین مناطق شهری اصفهان عبارت‌اند از: منطقه ۱۴، منطقه ۱۱، منطقه ۱۲ و ۱۵. منطقه ۱ اصفهان با میانگین سنی ۳۶ سال و منطقه ۱۴ با میانگین سنی ۲۷ سال پیرترین و جوان‌ترین مناطق شهری اصفهان‌اند. مناطقی که بالای ۷۰ درصد بومی اصفهان دارند، غیرمهاجرنشین و مناطقی که کمتر از ۷۰ درصدند، مهاجرنشین به شمار آمده‌اند. میانگین مهاجران به مناطق ۱۵ گانه شهر اصفهان ۳۴ درصد است

محله از دیرباز جزء نقاط آسیب‌خیز به‌شمار می‌آمده است که به دلیل ارزان بودن قیمت زمین‌ها محلی مناسب برای مهاجران به‌ویژه گرجی‌ها شد. در اوایل قرن چهاردهم ه. ش. و با راه‌اندازی صنعت نساجی در اصفهان مکانی برای استقرار کارگران شد و به‌منزله نقطه‌ای حاشیه‌نشین و البته با آسیب‌های اجتماعی بالا باقی ماند. محله قائمیه نقطه آسیب‌خیز منطقه ۱۳ است که با تقریباً ۲۳ هزار نفر جمعیت و تراکم جمعیتی ۱۰۷ نفر در هر هکتار، ۴۰ درصد مهاجر را در خود جای داده است. میزان آسیب‌های اجتماعی به‌ویژه نزاع و درگیری در این محله بالاست.

روش پژوهش

جبر بولی به نوعی رویکرد احتمال‌گرایانه است؛ زیرا به پژوهشگر اجازه می‌دهد با ترکیب‌های مختلفی از عوامل و علت‌های یک نتیجه و پیامد کار کند. از سوی دیگر، این روش با شرایط علت لازم و کافی یکی است؛ زیرا می‌توان نتایج به‌دست‌آمده از تبیین بولی را برحسب علل لازم و کافی تفسیر کرد. تحلیل کیفی و تطبیقی مبتنی بر جبر بولی ماهیت منطقی و غیرآماري (غیراحتمالی، جبرگرایانه) دارد. رگین^۱ (2008) برای جبر بولی ده ویژگی بیان کرده است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: استفاده از داده‌های دوشقی، استفاده از جدول ارزشی برای نمایش داده‌های خام که هر سطر آن نشان‌دهنده شرط‌های علی چند مورد است. به عبارت دیگر، تعداد سطرهای جدول را تعداد شرط‌های علی مشخص می‌کند. عمل جمع در بولی معادل «یا» در منطق جدید است. عمل ضرب در بولی به معنای «عمل جمع» در ریاضی است. منطق ترکیبی به این معناست که غیاب یک شرط علی به اندازه حضورش جایگاه منطقی دارد؛ زیرا فرض بر این است که علل در ترکیب با هم و به صورت یک کل عمل می‌کنند که از این امر به «کل‌گرایی روش شناختی» تعبیر می‌شود (کافی، ۱۳۹۳):

¹ Regin

بزرگ انگلیسی و غیاب آن را با حروف کوچک نشان می‌دهند (کافی، ۱۳۹۳: ۱۳۹-۱۳۶). در ادامه داده‌های مربوط به شروط علی (پایگاه اجتماعی - اقتصادی، جوان‌بودن جمعیت، تراکم جمعیت، مهاجرت) و پیامد (آسیب‌های اجتماعی و شکل‌گیری محله‌های فوق بدخیم) به تفکیک مناطق در جدول ۱ آورده شده است:

$$Y = abCD + aBCD + ABCD$$

(بالتر از این میزان کد ۱ و پایین‌تر از آن کد ۰ گرفته است). ترکیب شرط‌های علی در جبر بولی را با علامت ضرب (x) نشان می‌دهند. در رویکرد مورد محور فرض بر این است که یک معلول ترکیب خاصی از شرط‌های علی است؛ برای مثال اگر یک معادله به شکل $(y = AB + CDE)$ داشته باشیم، بدین معناست که معلول (Y) یا برآثر ترکیب شرط‌های A و B (AB) یا برآثر ترکیب E و D و C (EDC) به وجود آمده است. در معادله نویسی نیز حضور هر شرط علی را با حروف

جدول ۱- ارزش مناطق شهر اصفهان از نظر عوامل اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی در شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی

فرآوانی محله‌های فوق بدخیم	وجود محله فوق بدخیم در منطقه (Y)	مهاجرنشین (D)	تراکم جمعیت (C)	ترکیب جمعیتی جوان (B)	پایگاه اجتماعی - اقتصادی پایین (A)	تیبولوژی مناطق اصفهان
۰	۰	۰	۰	۰	۰	منطقه تاریخی (۱ و ۳)
۲	۱	۱	۱	۰	۰	منطقه مدرن (۵ و ۶)
۰	۰	۰	۰	۰	۰	منطقه مرکزی (۴)
۲	۱	۱	۱	۱	۰	منطقه جانشینی (۸)
۰	۰	۰	۰	۱	۱	منطقه غرب اصفهان (۲، ۹، ۱۱)
۵	۱	۱	۱	۱	۱	مناطق حاشیه‌نشین و محله‌های فوق بدخیم (۱۴)

مشخص کردن پیوندهای میان ترکیب‌های شروط علی با پیامدی معین. در این جدول برخلاف ماتریس داده‌های خام، هر سطر جدول به یک مورد اختصاص ندارد؛ بلکه هر سطر نشان‌دهنده ترکیبی منحصر به فرد و به‌طور منطقی ممکن از شروط علی است؛ از این‌رو، تعداد سطرهای جدول ارزش برای هر تعداد از موردها بر اساس فرمول $n^2 = n$ تعداد شروط علی) محاسبه می‌شود. بررسی همه ترکیب‌های منطقی ممکن از شروط علی، امکان ساخت شرایط طرح آزمایشی را میسر می‌کند (جایی که تنها یک شرط علی امکان تغییر می‌یابد) و به همین دلیل می‌تواند تحلیل کاملی از تأثیر شروط

میزان مهاجرت، نسبت جمعیت جوان به جمعیت سالخورده، نسبت افراد بومی به غیربومی و وضعیت نامناسب اقتصادی از عمده‌ترین دلایل وجود آسیب‌های اجتماعی بیشتر و شکل‌گیری محله‌های فوق بدخیم در مناطق شهر اصفهان است. همان‌طور که جدول ۱ نشان می‌دهد، بیشترین میزان محله‌های فوق بدخیم در منطقه ۱۴ متمرکزند. در این پژوهش شاخص محله‌های فوق بدخیم عبارت است از: میزان آسیب‌های اجتماعی بالا (طلاق و اعتیاد)، ارتکاب جرائم خشن و احساس امنیت پایین. هدف از ساختن جدول ارزش عبارت است از

ناتوان‌اند و در نتیجه نمی‌توانند کنترل اجتماعی مؤثری بر اجتماع حاکم کنند. از نظر مکتب شیکاگو نیز مشکلات اجتماعی شهری به دلیل الگوهای کنترل‌نشده مهاجرت، ناهماهنگی میان فرهنگ و ساخت اجتماعی و ایجاد مناطق آسیب‌خیزند. تمرکز در این مناطق ناشی از بی‌سازمانی اجتماعی است و عوامل جمعیت‌شناختی همچون سن، بعد خانوار، تراکم جمعیت و محل سکونت بر بی‌سازمانی اجتماعی تأثیر دارد. برای فهم بهتر آسیب‌های اجتماعی شهری اصفهان نیز شاید بیش از هر چیز لازم باشد با نگاهی کل‌نگرانه و سیستمی به شهر، تقسیم‌بندی مشخصی از فضای کالبدی آن با توجه به متغیرهایی همچون پایگاه اجتماعی - اقتصادی، سن، تراکم جمعیت و میزان مهاجرت به دست آورد. در پژوهش حاضر شهر اصفهان به پنج تیپ مختلف شهری تقسیم شده است که هر کدام از تیپ‌های مناطق شهری همچون هسته‌های متحدالمرکزی به شمار می‌آیند که ویژگی‌های منحصربه‌فردی را شامل می‌شوند. در برخی از این هسته‌ها آسیب‌های اجتماعی درهم‌تنیده‌ای شکل گرفته است که فهم آنها به فهم فرهنگی و کالبدی منطقه مدنظر وابسته است.

تراکم محاسبه‌شده (نفر در هکتار) برای مناطق مختلف شهر اصفهان نشان می‌دهد محله‌های مناطق شرق و شمال‌شرقی و برخی از محله‌های مناطق جنوبی، تراکم بالا و محله‌های مناطق مرکزی و غربی تراکم کمتری دارند. منطقه غرب اصفهان کمترین تراکم را در شهر اصفهان دارد. هر سه منطقه روی هم‌رفته ۱۰ درصد از جمعیت شهر را تشکیل می‌دهند؛ اما ۱۷ درصد از مساحت شهر را در بر می‌گیرند. میزان رشد جمعیت در این مناطق نیز پایین است. منطقه غرب، بومی‌ترین منطقه شهری اصفهان است. در حالی که افراد مهاجر شهر اصفهان بیش از ۳۰ درصد است. کمتر از ۱۰ درصد از جمعیت منطقه غرب اصفهان، مهاجر و ۹۱ درصد بومی‌اند.

تحلیل ثانویه سامسون و گراوز (1989) درباره بی‌سازمانی اجتماعی با توجه به شاخص‌های پایگاه اجتماعی - اقتصادی پایین، مهاجرت، تنوع نژادی و شهری شدن نشان می‌دهد

علی‌ارائه دهد (کافی، ۱۳۹۳: ۱۴۰). براساس ترکیب‌هایی از شروط که حداقل یک مصداق منطقه‌ای داشته‌اند، معادله بولی محله‌های فوق بدخیم را می‌توان به شرح زیر نوشت:

$$Y = abCD + aBCD + ABCD$$

در این قسمت از قاعده کمینه‌سازی بولی استفاده می‌شود؛ به این صورت که چنانچه دو عبارت بولی تنها در یک شرط علی با یکدیگر متفاوت باشند و هر دو یک نتیجه را موجب شوند، می‌توان آن شرط علی را حذف کرد و عبارت ساده‌تری ساخت (Regin, 2008: 93)؛ زیرا حضور یا غیاب آن در نتیجه بی‌تأثیر است؛ بنابراین، ترکیب‌های چهارجمله‌ای را می‌توان به ترکیب‌های سه‌جمله‌ای و سپس دو جمله‌ای تقلیل داد؛ مانند:

ترکیب ABCD با aBCD می‌شود: BCD

ترکیب aBCD با abCD می‌شود: aCD

ترکیب ABCD با abCD می‌شود: CD

در نتیجه، معادله شکل‌گیری محله‌های فوق بدخیم عبارت می‌شود از:

(محله‌های فوق بدخیم)

$$Y = BCD + aCD + CD = CD (B + a)$$

این معادله دلالت بر آن دارد که سه ترکیب یا الگوی علی هم‌ارز به منزله شرط کافی برای شکل‌گیری محله‌های فوق بدخیم وجود داشته است که با فاکتورگیری نهایی مشخص می‌شود تراکم جمعیت و مهاجرت در منطقه شرط لازم برای شکل‌گیری محله فوق بدخیم و بسته‌ای از آسیب‌های اجتماعی است و جوان‌بودن جمعیت شرط کافی برای ایجاد محله‌های فوق بدخیم محسوب می‌شود.

نتیجه

مکتب شیکاگو و نظریه بی‌سازمانی اجتماعی با تأکید و تمرکز بر ویژگی‌های محل به جای ویژگی‌های مجرمان و بزهکاران، تغییراتی اساسی را در این حوزه ایجاد و اینگونه مطالعات را به زمینه‌های اجتماعی آن مرتبط کردند. شاو و مک‌کی (2012) در بررسی خود به این نتیجه رسیدند که ساکنان اجتماعاتی که دچار بی‌سازمانی اجتماعی‌اند، در تحقق ارزش‌های مشترک

در برابر آنها آماده نکنیم مسائل امروز در برابر گستردگی و شیوع مسائل پیش رو بازیچه‌ای بیش نیست. برتری عددی جوانان مناطق حاشیه‌نشین و محله‌های فوق بدخیم به‌زودی تعادل شهر را به سمت آنها بر هم خواهد زد و شهر را با موج بزرگی از بزهکاری و جرائم روبه‌رو خواهد کرد. از آنجا که محله‌های فوق بدخیم بالاترین میزان افراد صفر تا ۱۴ سال را میان تمام محله‌های اصفهان دارند، طبیعی است با ادامه چنین روندی و با قرارگرفتن این افراد در سنین ۱۷ تا ۲۴ سال (که بیشترین میزان بزهکاری و جرائم در این سن رخ می‌دهد) با موج جدیدی از آسیب‌های اجتماعی و افراد بزهکار در این شهر روبه‌رو شویم. همچنین بکرماندن منطقه غرب اصفهان (مناطق ۲، ۹ و ۱۱) شرایط و سوسه‌کننده‌ای برای مدیران شهری و زمین‌خواران فراهم کرده است تا در این مناطق، برنامه‌های رشد بیشتر شهری، تغییر مناطق کاربری و تراکم فروشی را نسبت به گذشته افزایش دهند؛ بنابراین، باید منتظر موج جدیدی از افزایش آسیب‌ها در این مناطق نیز باشیم. بررسی‌های گذشته (بازنگری طرح تفصیلی مناطق ۱۵ گانه، ۱۳۸۳) نشان می‌دهد در منطقه غرب تمایل و گرایش عمومی به ایجاد مسکن تک‌واحدی با حداکثر دوطبقه بوده است؛ اما فشارهای مالی به‌تازگی سبب شده است گرایش به ساخت مسکن برای سکونت چندخانواری بیشتر شود. به همین دلیل، به‌ویژه در بخش‌هایی از منطقه مانند محدوده پارک نازوان و حوالی خیابان میرزاظاهر ساخت آپارتمان به‌وسیله مردم غیربومی در حال گسترش است.

به نظر می‌رسد شکست‌های پی‌درپی مسئولان برای واکنش‌های نابخردانه، انگیزه و توانایی لازم برای مهار مشکلات محله‌های فوق بدخیم را به بن‌بست رسانده است. در این محله‌ها بیش از نیمی از جمعیت درگیر آسیب‌های اجتماعی هفت رنگ‌اند. این نقاط به‌صورت بسته‌ای از آسیب‌های اجتماعی پیچیده تبدیل شده‌اند که به نظر می‌رسد دست‌کم تا به امروز گریز از آنها تقریباً ناممکن بوده است. برخی با روش‌های استالینستی پیشنهاد تخریب کامل آنها و از

اجتماعات محلی با پیوندهای اجتماعی قوی‌تر و کنترل غیررسمی بیشتر، میزان جرائم کمتری دارند. نتایج پژوهش حاضر نیز نشان می‌دهند در منطقه غرب اصفهان برخلاف وجود فقر و بیکاری زیاد و بافت‌های فرسوده بی‌شمار، آسیب‌های اجتماعی، بزهکاری و جرم در پایین‌ترین میزان خود قرار دارند. دلیل این امر در نوع بافت اجتماعی منطقه است که همچنان بافت سنتی، بومی و انسجام مکانیکی خود را حفظ کرده و ازسویی، تراکم فروشی پایینی در منطقه رخ داده است.

پژوهش شمعی و همکاران (۱۳۹۴) نشان می‌دهد میان تراکم جمعیت و کاربری اراضی و تعداد جرائم ارتكابی مواد مخدر رابطه مستقیم معناداری وجود دارد. حسین‌زاده (۱۳۹۶) نیز بیان می‌کند که بین تراکم جمعیت در مناطق مختلف کلان‌شهر اصفهان با میزان جرائم خشن رابطه مستقیم وجود دارد. در مناطق حاشیه‌نشین و دارای بافت فرسوده شاهد افزایش وقوع جرائم خشن هستیم. نتایج نظرسنجی احیای هویت محلی شهروندان اصفهانی (۱۳۹۱) نشان می‌دهند ساکنان محله‌های کم‌تراکم بیش از نقاط پرتراکم از محل سکونتشان رضایت دارند. یکی از مهم‌ترین نتایج این پژوهش این است که هر یک از مناطق ۱۵ گانه شهر اصفهان منطقه جرم‌خیز خاص خود را دارند؛ اما برخی نقاط شهری اصفهان را می‌توان نقطه فوق بدخیم دانست که به شبکه‌ای از مسائل درهم‌تنیده تبدیل شده است. ازسویی، پژوهش دلاکه و همکاران (۱۳۹۶) نشان می‌دهد تمرکز زیرساخت‌های فرهنگی - اجتماعی و بهداشتی در منطقه‌های تاریخی و مدرن سبب شده است میزان تاب‌آوری اجتماعی این مناطق بالا باشد و به همین دلیل ظرفیت لازم برای تحمل و مقابله با تنش‌ها و اختلالات بیرونی را داشته باشند. در صورتی که برعکس، مناطق حاشیه‌نشین به‌دلیل برخوردار نبودن از زیرساخت‌های لازم توان تاب‌آوری کمتری دارند.

همچنین نتایج این پژوهش نشان می‌دهند موج بزرگی از مسائل اجتماعی و جرائم شهری در پیش است که اگر خود را

منابع

- آمارنامه شهر اصفهان. (۱۳۹۵). *معاونت برنامه‌ریزی، پژوهش و فناوری اطلاعات شهرداری اصفهان*، سازمان فرهنگی - تفریحی شهرداری اصفهان.
- ابراهیمی فلاح، آ. (۱۳۹۴). *شناخت ابعاد و زمینه‌های مؤثر در فضای بی‌دفاع شهری؛ مورد مطالعه: محله فرحزاد تهران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- اطلس کلان‌شهر اصفهان. (۱۳۹۴). *معاونت برنامه‌ریزی، پژوهش و فناوری اطلاعات شهرداری اصفهان*.
- امان‌پور، س. (۱۳۹۰). «بررسی عوامل اصلی و تعیین درجه نقش آنها در شکل‌گیری مناطق فقیرنشین در شهر اصفهان»، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، س ۲۶، ش (۴) ۱۰۳، ص ۲۴۸-۲۲۷.
- امیری، م؛ پورموسوی، م. و صادقی، م. (۱۳۹۲). «مطالعه آسیب‌های اجتماعی ناشی از حاشیه‌نشینی در منطقه ۱۹ تهران از دیدگاه مدیران شهری»، *فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری*، ش ۵، ص ۱۳۷-۱۱۹.
- انصاری، ه و جواهری، الف. (۱۳۷۹). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی اصفهان*، تهران: نقش جهان.
- بازنگری طرح تفصیلی مناطق ۱۵ گانه اصفهان. (۱۳۹۵).
- شهرداری اصفهان، حوزه معاونت شهرسازی.
- تحلیلی بر میزان برخورداری فرهنگی - اجتماعی محلات شهر اصفهان. (۱۳۹۵). *معاونت فرهنگی - اجتماعی شهرداری اصفهان*، سازمان فرهنگی - تفریحی شهرداری اصفهان.
- حسین‌زاده، ح. (۱۳۹۶). *تبیین نقش فضاهای شهری در پیشگیری از وقوع جرائم خشن در شهر اصفهان*، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه اصفهان، دانشکده جغرافیا.
- خطیب‌زاده، پ. (۱۳۹۲). «بررسی آسیب‌های اجتماعی در بافت‌های فرسوده شهری و عوامل مؤثر بر آن (بافت فرسوده مناطق ۱۲، ۱۰ و ۱۳)»، نشریه

نوساختن را می‌دهند (تجربه خاک سفید تهران)؛ اما بهترین راهکار تغییرات تدریجی و تبدیل کردن آنها از حاشیه به متن است تا همچون شهروندان دیگر حق زندگی و برخورداری از حقوق شهروندی داشته باشند.

ازسویی، همان‌طور که کرادا و همکاران (۲۰۰۸) بیان کرده‌اند هر اندازه طرد اجتماعی محله‌ها و مناطق شهری نسبت به متن شهر افزایش یابد، فارغ از پیوندهای اجتماعی میان افراد ساکن در این مناطق، میزان آسیب‌ها و جرائم اجتماعی افزایش خواهد داشت. تا زمانی که مناطق حاشیه‌نشین و فوق بدخیم را نقاط ننگ شهر به حساب آوریم امیدی به بهبود نیست. بزرگ‌ترین چالش موجود در این مناطق به رسمیت‌نشاندن مراجع قدرت ازسوی حاشیه‌نشینان و پذیرفتن حاشیه‌نشینان ازسوی مناطق دیگر شهری است. فرهنگ مراقبت و غمخواری همسایگان در کنار نهادهای مختلف متشکل و غیرمتشکل مدنی کاراترین سیستم پوششی رفاهی فقرا، التیام‌بخش و تعدیل‌کننده لبه خشونت و کاهش شدت فقر است. در این مناطق، به دلیل غیررسمی بودن اجتماع حاشیه‌نشینان، سازوکارهای فرهنگی و نهادهای مدنی یا وجود ندارند یا از کارکرد می‌افتند. مسئله اصلی آنان هویت، به رسمیت شناخته‌شدن و بازگشت به اجتماع است. وقتی آنان به رسمیت شناخته شوند، امکان جلب و جذب در جامعه و خلق ارزش افزوده و انباشت سرمایه اجتماعی و مادی را خواهند یافت؛ بنابراین، رویکرد اصلی مدیریت شهری باید رویکرد انضمام حاشیه به متن باشد. رویکرد «طرد»^۱ در برابر جذب و انضمام مطلق^۲ عمده‌ترین عامل گسترش محله‌های فوق بدخیم خواهد بود. اختصاص نقش کلیدی به نهادهای دولتی و نقش حاشیه‌ای به نهادهای مدنی از جمله عواملی است که سبب مدیریت ناموفق آسیب‌های اجتماعی شده است و بهتر است این تعادل به سمت برتری سمن‌ها (سازمان‌های مردم‌نهاد) و نهادهای خودجوش مردمی تغییر جهت دهد.

1 exclusion

2 inclusion

- ایترنتی‌نوسازی، س ۴، ش ۲۰، ص ۱۲-۱. خوب آیند، س. (۱۳۸۴). تحلیل فضایی علل شکل‌گیری حاشیه‌نشینی در شهر اصفهان، پایان‌نامه دکتری، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.
- دلاکه، ح؛ ثمره محسن بیگی، ح. و شاهپوندی، الف. (۱۳۹۶). «سنجش میزان تاب‌آوری اجتماعی در مناطق شهری اصفهان»، *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ش ۴ (۹)، ص ۲۵۲-۲۲۷.
- دهقانی، ح. و اکبرزاده، ف. (۱۳۹۶). حاشیه‌نشینی همچون آپاندیسیت شهری، تحلیل مسائل و آسیب‌های اجتماعی اصفهان، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- رامین، ع. (۱۳۹۵). بررسی نحوه عملکرد شهرداری تهران در حوزه مدیریت آسیب‌های اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مدیریت خدمات اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- ربانی، ر؛ وارثی، ح. و طاهری، ز. (۱۳۸۶). «تحلیلی بر علل اصلی شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشین در شهر اصفهان، نمونه موردی: منطقه ارزنان و دارک»، *مجله جغرافیا و توسعه*، ش ۱۳، ص ۹۳-۱۲۵.
- زاهدزاهدانی، س. (۱۳۶۹). حاشیه‌نشینی، شیراز: دانشگاه شیراز.
- شماعی، ع؛ تیموری، س. و بهرامی، ح. (۱۳۹۴). «تحلیل فضایی جمعیت و خدمات شهری با رویکرد عدالت فضایی؛ مطالعه موردی: شهر خرم‌آباد»، *فصلنامه جغرافیایی سرزمین*، د ۱۳، ش ۴۹، ص ۷۶-۶۵.
- شناسنامه فرهنگی - اجتماعی محلات شهر اصفهان. (۱۳۹۴). معاونت فرهنگی - اجتماعی شهرداری اصفهان.
- طالبان، م. (۱۳۸۸). «درآمدی روش‌شناسانه بر تحلیل بولی فوران از انقلاب ایران»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، ش ۴۲ و ۴۳، ص ۴۹۲-۴۵۵.
- طرح تهیه و تدوین برنامه آمایش استان تهران. (۱۳۸۸). *مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تحلیل وضعیت فرهنگی استان، استانداری تهران، تهران: معاونت برنامه‌ریزی.*
- فکوهی، ن. (۱۳۸۳). *انسان‌شناسی شهری*، تهران: نشر نی.
- کافی، م. (۱۳۹۳). *جامعه‌شناسی تاریخی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- گزارش ارزیابی برنامه اصفهان ۱۴۰۰. (۱۳۹۵). مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر اصفهان با همکاری اتاق فکر استان اصفهان.
- مشونیس، ج. (۱۳۹۵). *مسائل اجتماعی*، ترجمه: هوشنگ ناییب، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- نشست گروه جامعه‌شناسی شهر و مطالعات منطقه‌ای. (۱۳۹۳). جایگاه رویکرد اجتماعی در طرح‌های شهری، سایت انجمن جامعه‌شناسی ایران (www.isa.org.ir).
- نصیری، م. (۱۳۸۲). تأثیر حاشیه‌نشینی بر میزان بزهکاری در کلان‌شهرها، تهران: جنگل.
- نظرسنجی احیای هویت محلی شهروندان اصفهانی. (۱۳۹۱). اداره طرح و برنامه سازمان فرهنگی - تفریحی شهرداری اصفهان.
- نورانی، ه و ستاری، ن. (۱۳۹۶). «تحلیل میزان رویدادمداری مناطق ۱۵ گانه کلان‌شهر اصفهان با تأکید بر زیرساخت‌های رویداد»، *مجله هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی*، د ۲۲، ش ۴، ص ۵۶-۴۵.
- یوسفی، ن. (۱۳۹۳). «سنجش امنیت در محلات شهری؛ مطالعه موردی: محلات مردآویج و مفت‌آباد شهر اصفهان»، *فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی*، س ۳، ش ۱۱، ص ۱۲۶-۱۱۳.
- Cerdá, M. Morenoff, J. D. Duque, L. F. & Buka, S. L. (2008) "The Limits of Collective Efficacy: Investigating the Influence of Neighborhood Context on Levels of Violence in Medellin and Chicago." Paper Presented at the Annual Meeting of the American Sociological Association, Sheraton Boston and the Boston Marriott Copley Place, Boston, MA. Online.

Available at:

- http://www.allacademic.com/meta/p241636_index.html.
- Kelly, L. Benjamin, C. Steven, B. & Graeme. A. (2012) "Overcoming the Tragedy of Super Wicked Problems: Constraining our Future Selves to Ameliorate Global Climate Change." *Policy Sciences*, 45: 123-152.
- Kubrin, C. E. & Wo, J. C. (2016) "Social Disorganization Theory's Greatest Challenge: Linking Structural Characteristics to Crime in Socially Disorganized Neighborhoods." in *The Handbook of Criminological Theory*, (Ede) Alex R. Piquero. John Wiley & Sons, Inc. Published by John Wiley & Sons: Inc. <https://www.researchgate.net/publication>.
- Rainwater, B. (2016) "The 10 Most Important Issues Facing Cities, According to Their Mayors." Available at: <http://www.FastCompany>.
- Regin, C. (2008) *Redesigning Social Inquiry: Fuzzy Sets and Beyond*, Chicago: University of Chicago Press.
- Sampson, R. J. & Groves, W. B. (1989) "Community Structure and Crime: Testing Socialdis Organization Theory." *American Journal of Sociology*, 94: 774-802.
- Shaw, C. R. & McKay, H. D. (2012) "*The Social Disorganization Theory*." Center for Spatially Integrated Social Science. Available at: www.csiss.org/classics/content/66.
- Ulack, R. (1978) "The Role of Urban Squatter Settlements." *Annals of the Association of American Geographers*, 68 (4): 535-550. Available at: <http://www.jstor.org>.
- Wallis, A. (2011) "Urban Social Problem." *Social Problems Magazine*, 303-315, Available at: <http://www.ucdenver.edu/academics>.
- Wilson, A. G. (2010) "The General Urban Model: Retrospect and Prospect." *Papers Regional Science Association*, 89 (1): 27-42.
- Yap Kioe, S. (2002) "*Sustainable Strategies for the Provision of Low-Income Housing in Cities in Developing Countries*." Available at: <http://rdgs.itakura.toyo.ac.jp/orc/pdf>.

